

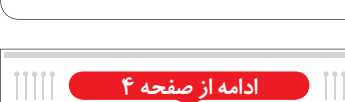


### نهمین نمایشگاه فرش ماشینی، کف‌پوش، موکت و صنایع وابسته

- ده‌ها واحد تولیدی و شرکت داخلی و خارجی

از ۱۳ تا ۱۶ شهریورماه با حضور و مشارکت در نهمین نمایشگاه بین‌المللی فرش ماشینی، کف‌پوش، موکت و صنایع وابسته، جدیدترین تولیدات و خدمات خود را ارائه و در معرض دید علاقه‌مندان قرار می‌دهند. به گزارش روابطعمومی و اطلاع‌رسانی نهمین نمایشگاه بین‌المللی فرش ماشینی، کف‌پوش، موکت و صنایع وابسته؛ در این نمایشگاه بیش از ۱۲۰ شرکت داخلی و خارجی از ایران و کشورهای ترکیه، چین و تایوان نوین‌ترین تولیدات خود را در معرض دید علاقه‌مندان قرار خواهند داد. در نهمین نمایشگاه بین‌المللی فرش ماشینی، کف‌پوش، موکت و صنایع وابسته؛ برای اولین‌بار فرش‌های ضدلک، ضدمیکروب و فرش‌هایی با عرض بلند تولیدشده در کارخانه‌های ایرانی رونمایی و به نمایش عموم گذاشته می‌شود. رونمایی از بزرگ‌ترین تابلوفرش ماشینی جهان و معرفی فرش آنتی‌باکتریال صددرصد اکریلیک نیز از دیگر برنامه‌های ویژه این نمایشگاه است. داوود کاشفی فر، رئیس ستاد اجرایی این نمایشگاه گفت:

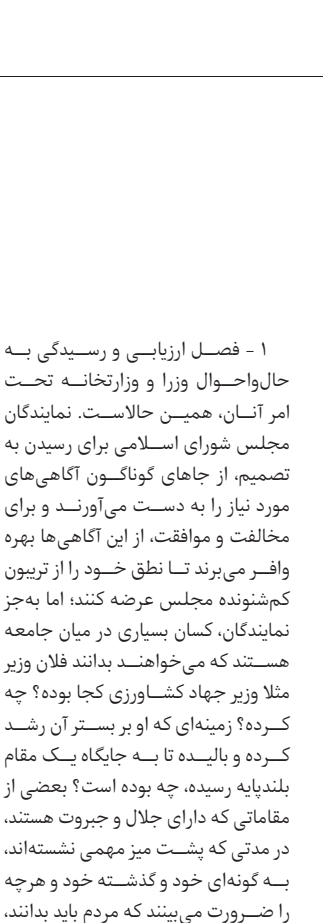
در این نمایشگاه انواع فرش‌های ماشینی، صنایع و تجهیزات وابسته، واحدهای تولیدکنندگان نخ، انواع پارکت، واحدهای طراحی فرش، دستگاه‌های خط تولید، انواع کفپوش، موکت، قطعات و ماشین‌آلات مربوطه، مواد اولیه و همچنین نوآوری در عرضه تولید و خدمات این حوزه به نمایش گذاشته می‌شود. صنعت فرش ماشینی یکی از صنایع تأثیرگذار در صنعت نساجی کشور است که در سال‌های اخیر رشد و توسعه مناسبی داشته و تنها در منطقه کاشان، آران و بیدگل بیش از هزار واحد تولیدکننده فرش ماشینی ایجاد شده و این منطقه را به قطب تولید این محصول در کشور و حتی منطقه تبدیل کرده است. صنعت فرش ماشینی حدود ۵۰ درصد از ارزش صادرات سالانه صنایع نساجی را به خود اختصاص داده و علاوه بر اشتغالزایی مناسبی که در کشور ایجاد کرده، سالانه حدود ۳۵۰ میلیون دلار ارزآوری به همراه دارد. ظرفیت نصب‌شده صنعت فرش ماشینی در کشور بالغ بر ۱۲۰ میلیون مترمربع است و تولید سالانه آن به ۸۰ میلیون مترمربع می‌رسد که حدود ۵۰ میلیون مترمربع آن در داخل کشور مصرف می‌شود.



### قوانین «چسب هل»، خوابی است که سرمایه برای انسان‌ها می‌بیند

سرمایه، با وجود تمام تضادهای درونی‌اش، میل به تمامیت دارد، یعنی می‌خواهد بر سراسر گستره زندگی انسانی و اجتماعی سیطره یابد و تمام این گستره را به قلمروی تولید ارزش تبدیل کند. آیا تمام قواعد مذهبی‌ای که عمدتا مثل نماز زمان‌بر هستند، مانع این توسعه‌طلبی سرمایه نیستند؟ آیا زمانی که به نماز اختصاص داده می‌شود، نمی‌توانست صرف برای تولید چسب بیشتر شود؟ آیا همین واقعیت تأییدی بر این نکته نیست که اصول سنتی و مذهبی خلیل‌نظری، تماما ریشه‌های مذهبی دارند و چه بسا مانع رشد فعالیت‌های سرمایه‌دارانه او هم باشند؟ اما مسئله فقط رشد کمی و عددی سرمایه نیست، به بیانی دیگر، سرمایه فقط میل به این ندارد که زمان بیشتری از کارگران به خود اختصاص دهد و به لحاظ کمی توسعه یابد. توسعه و سیطره کمی، سرمایه، مستلزم سیطره کیفی آن بر انسان‌هاست. سرمایه نه‌تنها نیاز دارد که رشد عددی مداوم داشته باشد، بلکه به سوزه‌های «سربه‌زیر» هم نیاز دارد که اساسا باید از انسان‌های آزاد به تابعی از سرمایه بدل شوند. اجبار به نماز با باید در کنار مقررات دیگر مثل ممنوعیت صحبت‌کردن، اجبار به سربریزی موقع کار و ورزش، ممنوعیت جابه‌جایی‌های بی‌مورد و… دید، مسئله، احترام به نماز به‌عنوان مناسکی دینی نیست، بلکه انقیاد کارگران زیر یک سامانه انضباطی سفت و سخت است.

۴. حالت خادگونه‌مدیرعامل و کیش شخصیت خلیل‌نظری را ذیل همان «تجسم مقوله‌های اقتصادی» باید نگرست. کارخانه چسب هل، کابوس‌شهر سرمایه‌است؛ یعنی جایی که سرمایه، به همراهان ایدئولوژیکیش، توانسته یک سامانه کنترلی تام بسازد و آن را با ایده مالکیت خصوصی توجیه کند (مستولان کارخانه در پاسخ به انتقادها گفته‌اند کارخانه آنها خصوصی است و در نتیجه هر کاری می‌دهد، خود را در تجسم‌های انسانی‌ای نیز نشان می‌دهد. «مدیرعامل» نقش خدایی پیدا می‌کند که هیچ‌کس حق تماس با او را ندارد، جز یک نفر: حاج خلیل نظری، در مقام «بیامبر». کل سامانه کنترلی کابوس‌شهر چسب هل و قوانین آن، گویا الهام مدیرعامل خداگونه به خلیل نظری پیامبرگونه است که نقش پیامبر کارگران کارخانه را بر عهده دارد. موسسی هدایت دولت‌ساز و ملت‌ساز بود که در سخن با خادوند، فرمان‌های برساننده ملت یهود را گرفت. خلیل نظری هم گویا می‌خواهد نقش پیامبر سازنده جهان سرمایه را بازی کند. او فرمان‌ها را از مدیرعامل خداگونه می‌گیرد تا با آنها کابوس‌شهر خود را بسازد؛ کابوس‌شهر استثمار تام.



معرفی می‌کنند؛ اما شخصیت‌های عالی‌مقامی هم هستند که فکر می‌کنند هیچ ضرورتی ندارد مردم بدانند این مقام چه کسی است و چه می‌کند؛ بنابراین هیچ فرصتی را نه در اختیار خود و نه در اختیار دیگران، از جمله همکارانی را که وظیفه اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی در این مقوله دارند، نمی‌گذارند. این امر البته به اخلاق و منش آن مقام برمی‌گردد و چه‌بسا آن را جزء فروتنی بداند و راه غیر آن را ریا تلقی کند.

به باور همگان، سجایای اخلاقی و منش انسانی هرچه بیشتر باشد پسندیده‌تر است؛ اما حق مردمی که می‌خواهند بدانند و نیز حق پندگیری جوانان از زندگی بزرگان و انسان‌های موفق چه می‌شود؟ آنان که تصمیم می‌گیرند افراد پیشرو را الگوی خود برگزینند، می‌خواهند بدانند چه می‌شود فردی از میان خاندان‌های در میانه جامعه، آن‌هم در شهری درجه دو، به‌پله می‌آید تا به جایگاه ریاست یکی از بزرگ‌ترین وزارتخانه‌ها، مثلا وزارت راه‌وترابری یا وزارت جهاد کشاورزی می‌رسد؟ از طرفی، آیا بسیاری از مردم که به سرنوشت خویش و مهین خویش علاقه‌مند هستند و می‌خواهند بدانند مدیریت بخش عظیمی از فعالیت‌های قوه مجریه را چه کسی با چه پیشینه‌ای در دست دارد، این اعتبار را دارند که به خواسته آنها پاسخ مثبت داده شود؟ قطعا دارند.

۲- وزیر جهاد کشاورزی که از سوی دکتر حسن روحانی برای دولت دوازدهم معرفی شده، کیست؟ محمود جحتی فرزند غلامرضا!

محمود جحتی فرزند غلامرضا به سال ۱۳۳۴ خورشیدی در شهر نجف‌آباد، در خانواده‌ای با پایبندی عمیق به مذهب، دیده بر جهان گشود. پدرش در لیاس روحانیت بود و با درس و بحث طلبگی و وعظه روز می‌گذرانید؛ اما امرار معاش خود و خانواده نسبتا شلوغش، از کشاورزی بود؛ شغلی که اگر همه فرزندان او کمک نمی‌کردند، به سختی معیشت گرفتار می‌آمدند. محمود، پسر بزرگ شیخ غلامرضا است و صد البته که باید بیشتر از دیگر اعضای خانواده به باغ یا صحرا برود و به امور باغداری در زمین که علی‌القاعده کمتر از چند جریب بوده، بپردازد. همان‌گونه که پدر زحمتکش و متدینش درس دین می‌خوانده و کشاورزی می‌کرده، محمود هم کشاورزی می‌کرده و درس رایج در دبستان و دبیرستان را فرا می‌گرفته است. این مدل زندگی‌کردن، در میان روحانیون نجف‌آباد پدیده رایجی نبوده و نیست؛ و هم کار، هم درس. آنان که از رئیس‌جمهور می‌پرستند چرا یک لیسانس عمران را در راس بخش کشاورزی گذاشته‌اید، بدانند وزیر پیشنهادی برای وزارت جهاد سازندگی، چهار، پنج سال درس عمران خوانده؛ اما حداقل ۲۰ سال در کودکی، نوجوانی و جوانی، کار کشاورزی کرده است. محمود جحتی، دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود با موفقیت گذراند و وارد دانشگاه کار اصفهان شد. با پیروزی انقلاب اسلامی، دانشگاه کار، در دانشگاه صنعتی اصفهان ادغام شد و او می‌بایست بقیه دروس دانشگاهی را در صنعتی اصفهان و طبق برنامه‌های درسی این دانشگاه بگذراند تا مدرک کارشناسی دریافت کند؛ اما با شروع رخداد جدیدی در بخش آموزش عالی به نام انقلاب فرهنگی، دانشگاه‌ها تعطیل شدند. در چنین موقعیتی، دانشجویان زحمت‌کشیده‌ای که بی‌کاری را رنج درونی و ولای اجتماعی می‌دانستند، یا احساس ضرورت کمک به نظام جدید داشتند، هرکدام به ارگانی پیوستند که در فضای انقلابی آن روزها، بازی از دوش رنج‌دیدگان و ضعیف‌نگاهدانسته‌شدگان جامعه برمی‌داشت. این حس مقدس در فرزند انقلابی شیخ غلامرضا جحتی، که پایه‌یابی دیگر جوانان شهر علم و ایثار، پرچم پیروزی بر یک رژیم وابسته را برافراشته بودند، او را به حرکت درآورد و به سوی چهارمحال‌وختیاری، یکی از محروم‌ترین مناطق مرکزی ایران و در میان ارتفاعات صعب‌العبور رشته‌کوه‌های زاگرس، روانه کرد تا به ارگان انقلابی و تازه تاسیس جهاد سازندگی بپیوندد. دانشجوی باتجربه در امور کشاورزی و آشنا به درد و رنج کشاورزان و دامداران، در جهاد سازندگی شهرگرد خوشبخت. از آنجا به شورای جهاد استان اصفهان که مسئولیت رسیدگی به روستاهای استان پهناوری را بر عهده داشت، نقل مکان کرد



در سال ۱۳۶۴ جحتی به دعوت بلندپایگان مرکزیت جهاد سازندگی، جهاد اصفهان را به دوستان و هم‌زمانش سپرد و عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی کشور شد. با پایان‌یافتن جنگ تحمیلی، دوره سازندگی و آبادانی کشور به ریاست هاشمی‌رفسنجانی آغاز شد. رفع نابسامانی‌های ناشی از جنگ، جوانان بی‌ادعا و باتجربه‌ای را می‌طلبید که مسئولیت‌های ریز و درشت و دور و نزدیک را بر عهده بگیرند و ایران را بسازند. توانایی‌های مهندس جحتی و تجربه و تلاش او برای رنج‌بران، او را در سال ۱۳۶۸ به محروم‌ترین مناطق کشور یعنی استان سیستان‌وبلوچستان روانه کرد. محمود جحتی به‌عنوان اولین استاندار عصر سازندگی در جنوب شرق کشور – از جاپهار تا چاخرها و از کوکھ تا کهسورک – همه تلاش خود را به کارگرفت تا بخشی از روح‌ومیت‌ها و فصولی از ناامنی‌های سرزمین گرد و گرما و خاستگاه رستم و رودابه را برداید.

مهندس جحتی پس از پنج سال خدمت‌گزاری به مردم نجیب و محروم بلوچ و سیستانی، برای احداث یکی از بزرگ‌ترین سدهای ایران، روانه شمال خوزستان شد و مدیریت اجرایی سد کرخه را به دست گرفت. سه سال تمام امور این پروژه عظیم را پیش برد تا اینکه در سپهر سیاسی ایران با تمایل مردم شریف سرزمینمان، چراغ اصلاح‌طلبی روشن شد و دفتر زندگی این مدیر کارآزموده، با حضور در دولت اصلاحات، ورق خورد. سیدمحمد خاتمی، برای تشکیل دولت خود سراغ کسانی رفت که علاوه بر تجربه، دارای اندیشه اصلاح‌طلبی باشند، بر پایه این تصمیم، مهندس محمود جحتی که هم تدبیر و هم تجربه اصلاح‌طلبی متعهد است و هم تجربه مسئولیت‌های کلان داشته، برای وزارت راه و ترابری به مجلس شورای اسلامی معرفی شد که پس از جدال سیاسی سخت با نمایندگان اصولگرای مجلس پنجم در روز بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی – به دلیل صراحت لهجه در بیان باورهای سیاسی‌اش – بالاخره موفق به کسب رای اعتماد شد و بر کرسی وزارت تکیه زد. دولت هفتم با همه فشارها و هجمه‌ها گذشت. یکی از اقدامات دولت اول اصلاحات، تهیه لایحه ادغام دو وزارتخانه کشاورزی و جهاد سازندگی بود که پس از تصویب آن در مجلس ششم جامه عمل پوشید. آغاز دوره دوم دولت اصلاحات فرارسید، باید وزیری توانمند در رأس وزارتخانه غول‌پیکر جدید به نام وزارت جهاد کشاورزی قرار می‌گرفت که توانایی انجام‌دادن سه کار مهم را داشته باشد. اول: این دو وزارتخانه گسترده در سراسر کشور را به یک مجموعه تبدیل کند، دوم: از نیروهای دو وزارتخانه که پیش این تداخل کاری و گاهی رقابت‌های سیاسی و حرفه‌ای داشتند، حساسیت‌زدایی کند. یک وزارتخانه کارکنانی انقلابی و تقریبا نافرمانبر، یک وزارتخانه مانده از رژیم سابق با پرسنلی سنتی و تخصصی‌های بالا و گلهمند از دست بچه‌های جهادگر، قرار بود بدون حساسیت در کنار هم و در مناطق دوردست،

## اقتصاد

# حجتی؛ تراز مثبت مدیریت

**مصطفی ایزدی**



دولتی با ادعای اصولگرایی و بی‌اعتقاد به برنامه و متمسک به ادعاهای فرازیمینی و فاقد انگیزه برای ساختن ایرانی آرام و آزاد و سرپلند در میان ملل دیگر، چهره‌های خدوم و سودمند و پرتلاش به انزوا رفتند. مهندس جحتی که به‌دلیل کارنامه درخشانش، در میان سرآمدان اصولگرها هم با وجود تفاوت تفکرات سیاسی، محبوبیت پیدا کرده بود، به‌اصطلاح خانه‌نشین شد. پس از آن هشت سال روزهایش یا در مزرعه‌ای در حاشیه کویر ورامین – که خود به آن بابابان‌های رزده می‌گفت – یا کار کشتاب و زرع می‌گذشت، یا در یک شرکت بیمانکاری که طرف مشاوره مدیرعامل آن قرار می‌گرفت، سبزی می‌شد. اصلاح‌طلبان یک دوره هشت‌ساله را پشت سرگذاشته بودند که در سال ۱۳۹۲ دوباره پرچم اصلاحات و این‌بار با کمک اعتدالیون تا اندازه‌ای به اهتزاز درآمد و یک‌بار دیگر در وزارت جهاد کشاورزی به روی مهندس محمود جحتی باز شد

و کارزار خدمت و بالندگی در عرصه بخش کشاورزی و هرچه به آن مربوط است آغاز شد. بدین‌سان برای سومین‌بار مرد ۵۸ساله‌ای که بیشتر سال‌های عمرش را با کشاورزی گذرانده، جامه وزارت بر تن کرد و پاشنه‌های کفش خود را ورکشید تا خدمت‌گزار آسیب‌پذیرترین قشر زحمتکش ایران‌زمین باشد. از آن روزها تاکنون چهار سال می‌گذرد…

۳- امیدوارم مهندس محمود جحتی چهار سال دیگر بر صندلی وزارت جهاد کشاورزی بنشیند و برای کشاورزان، دامداران، عشایر و بازرگانان عرصه میوه و تره‌بار، گلخانه‌داران، صاحبان صنایع تبدیلی و دیگر وابستگان به بخش کشاورزی، از جمله نیروهای زحمتکش شاعل‌در وزارتخانه، تسهیم‌آمور کند. در این صورت، راه مزرعه تا سفره مردم



**حجتی، وزیر پیشنهادی برای وزارت جهاد سازندگی، چهار، پنج سال درس عمران خوانده؛ اما حداقل ۲۰ سال در کودکی، نوجوانی و جوانی، کار کشاورزی کرده است. او برای پیشبرد چنین مسئولیت سه‌گانه مهمی، مهندس محمود جحتی انتخاب شد، زیرا او یک جهادگر رده‌بالا بود و وزارتخانه جهاد سازندگی را به‌خوبی می‌شناخت و نیز وزیری بود که سابقه موفق اداره‌کردن یک وزارتخانه بزرگ سنتی را در کارنامه‌اش داشت**

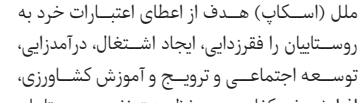
مهندس جحتی پس از پنج سال خدمت‌گزاری به مردم نجیب و محروم بلوچ و سیستانی، برای احداث یکی از بزرگ‌ترین سدهای ایران، روانه شمال خوزستان شد و مدیریت اجرایی سد کرخه را به دست گرفت. سه سال تمام امور این پروژه عظیم را پیش برد تا اینکه در سپهر سیاسی ایران با تمایل مردم شریف سرزمینمان، چراغ اصلاح‌طلبی روشن شد و دفتر زندگی این مدیر کارآزموده، با حضور در دولت اصلاحات، ورق خورد. سیدمحمد خاتمی، برای تشکیل دولت خود سراغ کسانی رفت که علاوه بر تجربه، دارای اندیشه اصلاح‌طلبی باشند، بر پایه این تصمیم، مهندس محمود جحتی که هم تدبیر و هم تجربه اصلاح‌طلبی متعهد است و هم تجربه مسئولیت‌های کلان داشته، برای وزارت راه و ترابری به مجلس شورای اسلامی معرفی شد که پس از جدال سیاسی سخت با نمایندگان اصولگرای مجلس پنجم در روز بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی – به دلیل صراحت لهجه در بیان باورهای سیاسی‌اش – بالاخره موفق به کسب رای اعتماد شد و بر کرسی وزارت تکیه زد. دولت هفتم با همه فشارها و هجمه‌ها گذشت. یکی از اقدامات دولت اول اصلاحات، تهیه لایحه ادغام دو وزارتخانه کشاورزی و جهاد سازندگی بود که پس از تصویب آن در مجلس ششم جامه عمل پوشید. آغاز دوره دوم دولت اصلاحات فرارسید، باید وزیری توانمند در رأس وزارتخانه غول‌پیکر جدید به نام وزارت جهاد کشاورزی قرار می‌گرفت که توانایی انجام‌دادن سه کار مهم را داشته باشد. اول: این دو وزارتخانه گسترده در سراسر کشور را به یک مجموعه تبدیل کند، دوم: از نیروهای دو وزارتخانه که پیش این تداخل کاری و گاهی رقابت‌های سیاسی و حرفه‌ای داشتند، حساسیت‌زدایی کند. یک وزارتخانه کارکنانی انقلابی و تقریبا نافرمانبر، یک وزارتخانه مانده از رژیم سابق با پرسنلی سنتی و تخصصی‌های بالا و گلهمند از دست بچه‌های جهادگر، قرار بود بدون حساسیت در کنار هم و در مناطق دوردست،



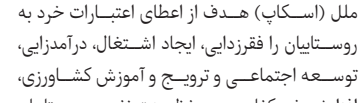
### نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در تأمین مالی کشاورزی روستایی

بانک جهانی هدف از اعطای اعتبارات به روستاییان را کاهش فقر، ایجاد اشتغال، درآمد، پایداری زیست‌محیطی و فراهم‌کردن زمینه رفاه و بهزیستی روستاییان می‌داند (2-3-PP-1996, ESCAP), صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی نیز انگیزه اعطای اعتبارات به روستاییان را که از طریق بسیج منابع و دانش به مثابه ابزاری راهبردی و مکمل و انتلاف پویای روستاییان، دولت، مؤسسه‌های توسعه و اعتبار، سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی اجرا می‌شود، به شرح ذیل بیان می‌کند (2003 IFAD), تحکر اجتماعی، بالا‌بردن سطح آموزش و قدرت‌دهی به فقیران؛ افزایش اعتمادبه‌نفس فقیران، ظرفیت‌سازی‌های محلی و…، فراهم‌سازی زمینه کار گروهی برای ایجاد دارایی و زیرساخت تولید محلی. کمیسیون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل (اسکاپ) هدف از اعطای اعتبارات خرد به روستاییان را فقززدایی، ایجاد اشتغال، درآمدزایی، توسعه اجتماعی و ترویج و آموزش کشاورزی، افزایش خودکفایی و حفظ عزت نفس روستاییان می‌داند (1996, P. 13, ESCAP), بانک توسعه آسیا (Asia Development Bank, 2000) نیز تأمین مالی خرد را فراهم‌سازی دامنه گسترده‌ای از خدمات مالی مانند سپرده‌ها، وام‌ها، خدمات پرداختی، انتقال پول و بیمه برای فقیران و خانوارهای کم‌درآمد و بنگاه‌های کوچک آنها تعریف کرده است که این خدمات از طریق سه مجرای ذیل جریان می‌یابد:

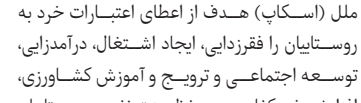
نهادهای رسمی مانند بانک‌های روستایی و تعاونی‌ها؛ نهادهای نیمه‌رسمی مانند سازمان‌های غیردولتی (NGOS)؛ منابع غیررسمی مانند وام‌دهندگان و مغازه‌داران. مطالعات جدید در جهان نشان می‌دهد که دسترسی به خدمات اعتبار خرد باعث افزایش سطح درآمد، افزایش هزینه‌های خدمات بهداشتی و آموزش‌وپورش، افزایش سرمایه و تولید ثروت و توسعه شبکه‌های اجتماعی، کسب مهارت، دسترسی به بازار و افزایش قدرت چانه‌زنی و همکاری بیشتر با دولت در برنامه‌های توسعه کشاورزی شده است (Maurice Sakwa,2014). در همه این تعاریف و تجارب جهانی آنجا پیش از همه به حضور مردم حکمرانی خوب توجه شده است، تأمین مالی از طریق «سازمان‌های غیردولتی» از طریق تشکیل صندوق اعتبارات خرد و گروه‌های خودیار و مؤسسات تأمین مالی خرد و از این قبیل است که جامعه مدنی به همراه مردم نقش مهمی در تأمین مالی خرد فعالیت‌های اقتصادی بخش کشاورزی و روستایی دارند. کلیه مطالعات انجام‌شده حاکی از این است که اعتبارات خرد پرداخت‌شده توسط سازمان‌های غیردولتی وضع فقرا (دهک‌های پایین جامعه) کشاورزان کوچک و زنان را بهبود بخشیده و دسترسی آنها به وام کم‌بهره و مستقیم‌را افزایش داده و ضمن اشتغالزایی و افزایش درآمد، در توانمندسازی و بهبود استاندارد زندگی برای آنها موفق بوده و دست باخواران را از زندگی برای آنها موقت بوده و دست باخواران را از کم‌ی کیفی سنگ‌تمام می‌گذارد، اما به نظر بنده، در رسیدگی به گرفتاری‌های گوناگون کشاورزان جرز، کمترین وقت را هم نمی‌گذارد. شاید این مسئولیت را به معاونان و مدیران کل و دیگران احاله کرده باشد، ولی این امر برای همیشه نمی‌تواند کارساز باشد. وقت‌گذاشتن گاو‌بیگانه او با کشاورزانی که حرف‌های گفتنی با شخص وزیر دارند و شنیدن دراهد‌هایی در رجوع به ادارات مرکزی یا شهرستان‌ها پیدا کرده‌اند، می‌تواند در بهبود رابطه وزیر با جامعه کشاورزان و نیز رفع کدورت‌های آنان از دولت و حاکمیت، تأثیر بسیار داشته باشد. ضروری است مقام عالی وزارت از بعضی جزئیات و رفتارهای مدیران و پرسنل پرانگند در سراسر کشور، خارج از کانال‌های رسمی آگاه شود. اگر کسانی که در باغات و مزارع و دامداری‌ها و مراکز تولید و فرآوری محصولات کشاورزی روز می‌گذرانند و عموماً زنان و مردان زحمتکش و ضعیفی هستند، نتوانند مشکلاتشان را در مقامات ذری‌بط در میان بگذارند، به مرور فضای مه‌آلودی در رابطه دولت‌مردان و لایه‌های زیرین جامعه ایجاد می‌شود که در درازمدت، خصوصا برای اصلاح‌طلبان زبان‌بار است. در یک جمله طنزگونه به جناب جحتی عرض می‌کنم اگر صندلی‌تان را روی بام وزارتخانه گذاشته‌اید و از روی آن با دید کلان‌نگران همه‌جا را حتی دوردست‌ها را می‌بینید، غیر از درون وزارتخانه، لطفا گاهی اوقات آن را در محوطه وزارتخانه نظام صنفی، درج قیمت‌کالا در واحدهای صنفی الزامی بوده و کنترل بازار از سوی بازرسان بر اساس این قانون انجام می‌شود. او با اشاره به اینکه وزیر صنعت می‌تواند فقط حذف درج قیمت از کارخانه را اعلام کند، گفت: بر اساس این دستورالعمل وزیر صنعت، درج قیمت تمام‌شده کالا در سوی کارخانه حذف خواهد شد.



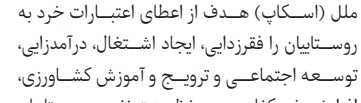
۴- با توجه به آنچه در باره پیشینه مهندس جحتی و نتایج حضور او در وزارت جهاد کشاورزی قلمی کردم، بعید است کسی بپذیرد که نمره او ۲۰ یا نزدیک به ۲۰ است. منی نام‌دم محمود جحتی که فرد منصف و واقع‌بینی است، چه نمره‌ای را به خود می‌دهد؟ راقم این سطور که دستی هرچند کوچک در فعالیت‌های کشاورزی دارد، نقدی را متوجه شیوه مدیریت مهندس جحتی در دولت یازدهم می‌داند. آقای جحتی همان‌گونه که عملکردش نشان می‌دهد و از سخنانش در جاهای متعدد برمی‌آید، برای بهبود وضع کشاورزی در ایران، نگاه جهانی دارد و در استفاده از دانش و تجربه برون‌مرزی، به‌ویژه کشورهایی که در کشاورزی و اقتصاد مرتبط حرف اول را می‌زنند، اصرار می‌ورزد که امر پسندیده‌ای است. هم‌او در بهبود حداکثری محصولات کشاورزی اعم از کمی و کیفی سنگ‌تمام می‌گذارد، اما به نظر بنده، در رسیدگی به گرفتاری‌های گوناگون کشاورزان جرز، کمترین وقت را هم نمی‌گذارد. شاید این مسئولیت را به معاونان و مدیران کل و دیگران احاله کرده باشد، ولی این امر برای همیشه نمی‌تواند کارساز باشد. وقت‌گذاشتن گاو‌بیگانه او با کشاورزانی که حرف‌های گفتنی با شخص وزیر دارند و شنیدن دراهد‌هایی در رجوع به ادارات مرکزی یا شهرستان‌ها پیدا کرده‌اند، می‌تواند در بهبود رابطه وزیر با جامعه کشاورزان و نیز رفع کدورت‌های آنان از دولت و حاکمیت، تأثیر بسیار داشته باشد. ضروری است مقام عالی وزارت از بعضی جزئیات و رفتارهای مدیران و پرسنل پرانگند در سراسر کشور، خارج از کانال‌های رسمی آگاه شود. اگر کسانی که در باغات و مزارع و دامداری‌ها و مراکز تولید و فرآوری محصولات کشاورزی روز می‌گذرانند و عموماً زنان و مردان زحمتکش و ضعیفی هستند، نتوانند مشکلاتشان را در مقامات ذری‌بط در میان بگذارند، به مرور فضای مه‌آلودی در رابطه دولت‌مردان و لایه‌های زیرین جامعه ایجاد می‌شود که در درازمدت، خصوصا برای اصلاح‌طلبان زبان‌بار است. در یک جمله طنزگونه به جناب جحتی عرض می‌کنم اگر صندلی‌تان را روی بام وزارتخانه گذاشته‌اید و از روی آن با دید کلان‌نگران همه‌جا را حتی دوردست‌ها را می‌بینید، غیر از درون وزارتخانه، لطفا گاهی اوقات آن را در محوطه وزارتخانه نظام صنفی، درج قیمت‌کالا در واحدهای صنفی الزامی بوده و کنترل بازار از سوی بازرسان بر اساس این قانون انجام می‌شود. او با اشاره به اینکه وزیر صنعت می‌تواند فقط حذف درج قیمت از کارخانه را اعلام کند، گفت: بر اساس این دستورالعمل وزیر صنعت، درج قیمت تمام‌شده کالا در سوی کارخانه حذف خواهد شد.



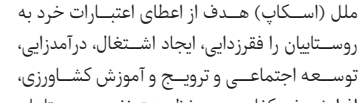
۴- با توجه به آنچه در باره پیشینه مهندس جحتی و نتایج حضور او در وزارت جهاد کشاورزی قلمی کردم، بعید است کسی بپذیرد که نمره او ۲۰ یا نزدیک به ۲۰ است. منی نام‌دم محمود جحتی که فرد منصف و واقع‌بینی است، چه نمره‌ای را به خود می‌دهد؟ راقم این سطور که دستی هرچند کوچک در فعالیت‌های کشاورزی دارد، نقدی را متوجه شیوه مدیریت مهندس جحتی در دولت یازدهم می‌داند. آقای جحتی همان‌گونه که عملکردش نشان می‌دهد و از سخنانش در جاهای متعدد برمی‌آید، برای بهبود وضع کشاورزی در ایران، نگاه جهانی دارد و در استفاده از دانش و تجربه برون‌مرزی، به‌ویژه کشورهایی که در کشاورزی و اقتصاد مرتبط حرف اول را می‌زنند، اصرار می‌ورزد که امر پسندیده‌ای است. هم‌او در بهبود حداکثری محصولات کشاورزی اعم از کمی و کیفی سنگ‌تمام می‌گذارد، اما به نظر بنده، در رسیدگی به گرفتاری‌های گوناگون کشاورزان جرز، کمترین وقت را هم نمی‌گذارد. شاید این مسئولیت را به معاونان و مدیران کل و دیگران احاله کرده باشد، ولی این امر برای همیشه نمی‌تواند کارساز باشد. وقت‌گذاشتن گاو‌بیگانه او با کشاورزانی که حرف‌های گفتنی با شخص وزیر دارند و شنیدن دراهد‌هایی در رجوع به ادارات مرکزی یا شهرستان‌ها پیدا کرده‌اند، می‌تواند در بهبود رابطه وزیر با جامعه کشاورزان و نیز رفع کدورت‌های آنان از دولت و حاکمیت، تأثیر بسیار داشته باشد. ضروری است مقام عالی وزارت از بعضی جزئیات و رفتارهای مدیران و پرسنل پرانگند در سراسر کشور، خارج از کانال‌های رسمی آگاه شود. اگر کسانی که در باغات و مزارع و دامداری‌ها و مراکز تولید و فرآوری محصولات کشاورزی روز می‌گذرانند و عموماً زنان و مردان زحمتکش و ضعیفی هستند، نتوانند مشکلاتشان را در مقامات ذری‌بط در میان بگذارند، به مرور فضای مه‌آلودی در رابطه دولت‌مردان و لایه‌های زیرین جامعه ایجاد می‌شود که در درازمدت، خصوصا برای اصلاح‌طلبان زبان‌بار است. در یک جمله طنزگونه به جناب جحتی عرض می‌کنم اگر صندلی‌تان را روی بام وزارتخانه گذاشته‌اید و از روی آن با دید کلان‌نگران همه‌جا را حتی دوردست‌ها را می‌بینید، غیر از درون وزارتخانه، لطفا گاهی اوقات آن را در محوطه وزارتخانه نظام صنفی، درج قیمت‌کالا در واحدهای صنفی الزامی بوده و کنترل بازار از سوی بازرسان بر اساس این قانون انجام می‌شود. او با اشاره به اینکه وزیر صنعت می‌تواند فقط حذف درج قیمت از کارخانه را اعلام کند، گفت: بر اساس این دستورالعمل وزیر صنعت، درج قیمت تمام‌شده کالا در سوی کارخانه حذف خواهد شد.



۴- با توجه به آنچه در باره پیشینه مهندس جحتی و نتایج حضور او در وزارت جهاد کشاورزی قلمی کردم، بعید است کسی بپذیرد که نمره او ۲۰ یا نزدیک به ۲۰ است. منی نام‌دم محمود جحتی که فرد منصف و واقع‌بینی است، چه نمره‌ای را به خود می‌دهد؟ راقم این سطور که دستی هرچند کوچک در فعالیت‌های کشاورزی دارد، نقدی را متوجه شیوه مدیریت مهندس جحتی در دولت یازدهم می‌داند. آقای جحتی همان‌گونه که عملکردش نشان می‌دهد و از سخنانش در جاهای متعدد برمی‌آید، برای بهبود وضع کشاورزی در ایران، نگاه جهانی دارد و در استفاده از دانش و تجربه برون‌مرزی، به‌ویژه کشورهایی که در کشاورزی و اقتصاد مرتبط حرف اول را می‌زنند، اصرار می‌ورزد که امر پسندیده‌ای است. هم‌او در بهبود حداکثری محصولات کشاورزی اعم از کمی و کیفی سنگ‌تمام می‌گذارد، اما به نظر بنده، در رسیدگی به گرفتاری‌های گوناگون کشاورزان جرز، کمترین وقت را هم نمی‌گذارد. شاید این مسئولیت را به معاونان و مدیران کل و دیگران احاله کرده باشد، ولی این امر برای همیشه نمی‌تواند کارساز باشد. وقت‌گذاشتن گاو‌بیگانه او با کشاورزانی که حرف‌های گفتنی با شخص وزیر دارند و شنیدن دراهد‌هایی در رجوع به ادارات مرکزی یا شهرستان‌ها پیدا کرده‌اند، می‌تواند در بهبود رابطه وزیر با جامعه کشاورزان و نیز رفع کدورت‌های آنان از دولت و حاکمیت، تأثیر بسیار داشته باشد. ضروری است مقام عالی وزارت از بعضی جزئیات و رفتارهای مدیران و پرسنل پرانگند در سراسر کشور، خارج از کانال‌های رسمی آگاه شود. اگر کسانی که در باغات و مزارع و دامداری‌ها و مراکز تولید و فرآوری محصولات کشاورزی روز می‌گذرانند و عموماً زنان و مردان زحمتکش و ضعیفی هستند، نتوانند مشکلاتشان را در مقامات ذری‌بط در میان بگذارند، به مرور فضای مه‌آلودی در رابطه دولت‌مردان و لایه‌های زیرین جامعه ایجاد می‌شود که در درازمدت، خصوصا برای اصلاح‌طلبان زبان‌بار است. در یک جمله طنزگونه به جناب جحتی عرض می‌کنم اگر صندلی‌تان را روی بام وزارتخانه گذاشته‌اید و از روی آن با دید کلان‌نگران همه‌جا را حتی دوردست‌ها را می‌بینید، غیر از درون وزارتخانه، لطفا گاهی اوقات آن را در محوطه وزارتخانه نظام صنفی، درج قیمت‌کالا در واحدهای صنفی الزامی بوده و کنترل بازار از سوی بازرسان بر اساس این قانون انجام می‌شود. او با اشاره به اینکه وزیر صنعت می‌تواند فقط حذف درج قیمت از کارخانه را اعلام کند، گفت: بر اساس این دستورالعمل وزیر صنعت، درج قیمت تمام‌شده کالا در سوی کارخانه حذف خواهد شد.



۴- با توجه به آنچه در باره پیشینه مهندس جحتی و نتایج حضور او در وزارت جهاد کشاورزی قلمی کردم، بعید است کسی بپذیرد که نمره او ۲۰ یا نزدیک به ۲۰ است. منی نام‌دم محمود جحتی که فرد منصف و واقع‌بینی است، چه نمره‌ای را به خود می‌دهد؟ راقم این سطور که دستی هرچند کوچک در فعالیت‌های کشاورزی دارد، نقدی را متوجه شیوه مدیریت مهندس جحتی در دولت یازدهم می‌داند. آقای جحتی همان‌گونه که عملکردش نشان می‌دهد و از سخنانش در جاهای متعدد برمی‌آید، برای بهبود وضع کشاورزی در ایران، نگاه جهانی دارد و در استفاده از دانش و تجربه برون‌مرزی، به‌ویژه کشورهایی که در کشاورزی و اقتصاد مرتبط حرف اول را می‌زنند، اصرار می‌ورزد که امر پسندیده‌ای است. هم‌او در بهبود حداکثری محصولات کشاورزی اعم از کمی و کیفی سنگ‌تمام می‌گذارد، اما به نظر بنده، در رسیدگی به گرفتاری‌های گوناگون کشاورزان جرز، کمترین وقت را هم نمی‌گذارد. شاید این مسئولیت را به معاونان و مدیران کل و دیگران احاله کرده باشد، ولی این امر برای همیشه نمی‌تواند کارساز باشد. وقت‌گذاشتن گاو‌بیگانه او با کشاورزانی که حرف‌های گفتنی با شخص وزیر دارند و شنیدن دراهد‌هایی در رجوع به ادارات مرکزی یا شهرستان‌ها پیدا کرده‌اند، می‌تواند در بهبود رابطه وزیر با جامعه کشاورزان و نیز رفع کدورت‌های آنان از دولت و حاکمیت، تأثیر بسیار داشته باشد. ضروری است مقام عالی وزارت از بعضی جزئیات و رفتارهای مدیران و پرسنل پرانگند در سراسر کشور، خارج از کانال‌های رسمی آگاه شود. اگر کسانی که در باغات و مزارع و دامداری‌ها و مراکز تولید و فرآوری محصولات کشاورزی روز می‌گذرانند و عموماً زنان و مردان زحمتکش و ضعیفی هستند، نتوانند مشکلاتشان را در مقامات ذری‌بط در میان بگذارند، به مرور فضای مه‌آلودی در رابطه دولت‌مردان و لایه‌های زیرین جامعه ایجاد می‌شود که در درازمدت، خصوصا برای اصلاح‌طلبان زبان‌بار است. در یک جمله طنزگونه به جناب جحتی عرض می‌کنم اگر صندلی‌تان را روی بام وزارتخانه گذاشته‌اید و از روی آن با دید کلان‌نگران همه‌جا را حتی دوردست‌ها را می‌بینید، غیر از درون وزارتخانه، لطفا گاهی اوقات آن را در محوطه وزارتخانه نظام صنفی، درج قیمت‌کالا در واحدهای صنفی الزامی بوده و کنترل بازار از سوی بازرسان بر اساس این قانون انجام می‌شود. او با اشاره به اینکه وزیر صنعت می‌تواند فقط حذف درج قیمت از کارخانه را اعلام کند، گفت: بر اساس این دستورالعمل وزیر صنعت، درج قیمت تمام‌شده کالا در سوی کارخانه حذف خواهد شد.



۴- با توجه به آنچه در باره پیشینه مهندس جحتی و نتایج حضور او در وزارت جهاد کشاورزی قلمی کردم، بعید است کسی بپذیرد که نمره او ۲۰ یا نزدیک به ۲۰ است. منی نام‌دم محمود جحتی که فرد منصف و واقع‌بینی است، چه نمره‌ای را به خود می‌دهد؟ راقم این سطور که دستی هرچند کوچک در فعالیت‌های کشاورزی دارد، نقدی را متوجه شیوه مدیریت مهندس جحتی در دولت یازدهم می‌داند. آقای جحتی همان‌گونه که عملکردش نشان می‌دهد و از سخنانش در جاهای متعدد برمی‌آید، برای بهبود وضع کشاورزی در ایران، نگاه جهانی دارد و در استفاده از دانش و تجربه برون‌مرزی، به‌ویژه کشورهایی که در کشاورزی و اقتصاد مرتبط حرف اول را می‌زنند، اصرار می‌ورزد که امر پسندیده‌ای است. هم‌او در بهبود حداکثری محصولات کشاورزی اعم از کمی و کیفی سنگ‌تمام می‌گذارد، اما به نظر بنده، در رسیدگی به گرفتاری‌های گوناگون کشاورزان جرز، کمترین وقت را هم نمی‌گذارد. شاید این مسئولیت را به معاونان و مدیران کل و دیگران احاله کرده باشد، ولی این امر برای همیشه نمی‌تواند کارساز باشد. وقت‌گذاشتن گاو‌بیگانه او با کشاورزانی که حرف‌های گفتنی با شخص وزیر دارند و شنیدن دراهد‌هایی در رجوع به ادارات مرکزی یا شهرستان‌ها پیدا کرده‌اند، می‌تواند در بهبود رابطه وزیر با جامعه کشاورزان و نیز رفع کدورت‌های آنان از دولت و حاکمیت، تأثیر بسیار داشته باشد. ضروری است مقام عالی وزارت از بعضی جزئیات و رفتارهای مدیران و پرسنل پرانگند در سراسر کشور، خارج از کانال‌های رسمی آگاه شود. اگر کسانی که در باغات و مزارع و دامداری‌ها و مراکز تولید و فرآوری محصولات کشاورزی روز می‌گذرانند و عموماً زنان و مردان زحمتکش و ضعیفی هستند، نتوانند مشکلاتشان را در مقامات ذری‌بط در میان بگذارند، به مرور فضای مه‌آلودی در رابطه دولت‌مردان و لایه‌های زیرین جامعه ایجاد می‌شود که در درازمدت، خصوصا برای اصلاح‌طلبان زبان‌بار است. در یک جمله طنزگونه به جناب جحتی عرض می‌کنم اگر صندلی‌تان را روی بام وزارتخانه گذاشته‌اید و از روی آن با دید کلان‌نگران همه‌جا را حتی دوردست‌ها را می‌بینید، غیر از درون وزارتخانه، لطفا گاهی اوقات آن